شهرآرا
۲شنبه
۱۵ تیر ۱۴۰۵
۲۱ محرم ۱۴۴۸
شماره ۴۸۰۰
SHAHRARANEWS.IR
۰۸

پلیس مشهد به سرقت‌های یک کلاهبردار پایان داد

دستگیری مأمورنمای کت و شلوارپوش



عکس: اختصاصی شهرآرا

سعید جلائیان| از همان بار اول که پایش را به فروشگاه گذاشت، خودش را افسر پلیس معرفی کرد. اوایل شبیه همه مشتریان دیگر بود. اقلام خرده ریزه برمی داشت و پولش را حساب می‌کرد. چندبار که به مغازه آمد، آن قدر طبیعی رفتار می‌کرد که اصلا کسی به او شک نمی‌کرد. باکت وشلوار شیک وارد فروشگاه می شد و سر حرف را باز می‌کرد و یکی دوبار هم از مأموریت هایش چیزهای عجیبی تعریف کرد. بعد از مدتی کم‌کم بهش اعتماد کردم و با خودم فکر می‌کردم که چه خوب است آدم یک دوست پلیس داشته باشد. او چندبار از مشکلاتی که برای کسبه دیگر پیش آمده بود، به من گفت که توانسته است با نفوذش مشکل را حل کند. یک بار هم گفت که اگر باکسی مشکلی داری، یاکسبه دیگر با تو رقابت می‌کنند به من بگو تا مشکل را حل کنم. رفت و آمد این مأمور کت و شلواری به مغازه ام بیشتر شده بود. اوایل فقط لوازم ارزان می خرید، ولی کم‌کم لوازم گران تری می خرید. او یک بار کیسه ای برنج و یک حلب روغن برداشت وگفت اگر اشکالی ندارد، پولش را با پرداخت حقوق اول ماه حساب کنم. من چیزی نگفتم. اما او روزهای بعد هم آمد و باز هم خریدهای سنگین کرد، ولی پولی نداد، تاآنجا که حساب او به صفحه دوم رسید. مالک فروشگاه که تاکنون چنین چیزی را ندیده بود، وقتی اول برج گذشت و خبری از پول نشد، از مأمور جوان سراغ پولش راگرفت. این فرد جواب داده بود که این ماه کسورات حقوقش به علت اقساطش زیاد بوده است و اگر اشکالی ندارد با چند روز تأخیر بدهی اش را بدهد. افزایش بدهی این مرد سبب نگرانی مغازه دار شده بود؛ تا جایی که وقتی روزی یک مأمور انتظامی از کلانتری خواجه ربیع با لباس فرم برای خرید به مغازه اش رفت، موضوع را با او مطرح کرد. در ادامه، مأمور از او خواست تا اسم و فامیل مأمور بدهکار را بدهد و بعد هم در استعلام های صورت گرفته مشخص شد که چنین فردی با این مشخصات در پلیس مشهد واستان وجود ندارد.

● ظن کاسب به مشتری!

مغازه دار با شنیدن این موضوع، دکانش را به شاگردش سپرد و راهی مقر پلیس شد. ظن این مغازه دار وقتی بیشتر شد که یکی از افسران کلانتری به او گفت که احتمالا در دام یک مأمورنما افتاده است.

مغازه دار بلافاصله به اتاق سرهنگ علی برزنونی، رئیس کلانتری خواجه ربیع، رفت و ماجرای مشتری خوش لباسش راکه به او بدهی سنگینی دارد، بازگو کرد. به دنبال تشریح این ماجرا توسط این مغازه دار، رئیس کلانتری خواجه ربیع با صدور دستوراتی تخصص تیمی از مأموران دایره تجسس را مسئول رسیدگی به این پرونده کرد.

مأموران دایره تجسس درگام نخست با هدف شناسایی متهم به دکان همسایه خود رفتند. مغازه دار تصاویر دوربین های مداربسته اش را به همراه فهرست بدهی متهم به مأموران داد. همچنین مشخص شد که متهم هر روز در یک بازه زمانی مشخص برای کلاهبرداری به این مغازه می رفته است.

درحالی‌که به نظر می رسید مأموران کار دشواری برای دستگیری متهم ندارند، مأموران متوجه شدند که مغازه دار با تعریف کردن ماجرا برای دیگرکسبه و همچنین فرستادن تصاویر متهم برای آن ها، دارد عملیات دستگیری را خراب می‌کند.

مأموران که متوجه موضوع شدند، مغازه دار را از این کار برحذر داشتند، اما با همین اقدام مغازه دار، پنج شاکی دیگر با مراجعه به پلیس از این کلاهبردار شکایت کردند. بررسی اظهارات شاکیان نشان داد که متهم در هر مغازه خودش را با درجات دیگری معرفی کرده و از آن ها اجناسی مشابه گرفته است.

● عملیات دستگیری مأمور قلابی

با ثبت شکایت این افراد، اهمیت دستگیری متهم دوچندان شد. به همین دلیل پیش از موعدی که شاکی اعلام کرده بود، مأموران در محل مستقر شدند. دقایقی از حضور مأموران نگذشته بود که سروکله متهم پیدا شد.

او با ظاهری موجه وارد سوپرمارکت شد. مثل هرروز سلام گرمی به مغازه دار کرد و برای برداشتن شیر وکیک به سراغ یخچال رفت و همین طور که داشت از میان محصولات لبنی داخل یخچال بطری شیرش را انتخاب می‌کرد، دستی روی شانه اش احساس کرد.

مغازه دار می خواست از خجالت این مأمور قلابی دربیاید، اما مأموران با حضور بموقع خود مانع از کتک زدن متهم توسط مغازه دار شدند و متهم را دستگیر کردند. مأموران بلافاصله متهم را به مقر پلیس منتقل کردند.

پس از انتقال متهم، تعدادی از کسبه به همراه فهرست بلندبالای طلب خود از متهم به کلانتری رفتند. تلاش پلیس برای شناسایی سایر کلاهبرداری های متهم ادامه دارد.

پلیس با رفع سوءتفاهم زوج جوان، مانع فروپاشی زندگی آقای مهندس و خانم مربی شد

بازگشت سینا و مینا به زندگی مشترک

سعید جلائیان

گزارش

چند روز پیش زنی میان سال همراه دختر جوانش وارد کلانتری آبکوه شد. زن میان سال در بدو ورود به مقر پلیس اعلام کرد که قصد دارد شکایت سرقت گوشی تلفن همراه دخترش را ثبت کند. پس از هدایت او و دخترش به دایره تجسس کلانتری، زن میان سال در تشریح اتفاقی که افتاده است، توضیح داد: «نامزد دخترم گوشی اورا دزدیده است!» این ادعا مأموران را شگفت زده کرد، اما دختر جوان در تأیید ادعای مادرش گفت: «شوهرم به من تهمت زد وگوشی‌ام را از من گرفت.» سرهنگ روح ا... لطفی، رئیس کلانتری آبکوه، پس از اینکه در جریان مراجعه این دو زن قرار گرفت، دقایقی به گفت‌وگو با زن جوان پرداخت و سپس با صدور دستورات تخصصی، این پرونده را به دایره مددکاری و مشاوره این مرکز پلیس ارجاع داد و از وجیهه شعرباف، مسئول دایره مشاوره این کلانتری، خواست رسیدگی به این پرونده خانوادگی را در اولویت قرار دهد.

در گام نخست رسیدگی به این پرونده، هرچند مادر زن جوان اصرار داشت که ماجرا سرقت است، اما به ناچار وارد دایره مددکاری و مشاوره کلانتری آبکوه شدند. زن میان سال بازهم پیش از دخترش وارد این بخش از کلانتری شد. او در بدو ورود شروع به بدگویی از دامادش کرد وگفت: دامادم مردی بدبین است و به دخترم تهمت های ناروایی زده و بعد با بی شرمی تلفن همراه دخترم را از او گرفته است. خدا می داند چه مطالبی با هوش مصنوعی درست کرده و برای متهم‌کردن دخترم وارد گوشی او کرده است.

زن میان سال همچنان مشغول بدگویی از دامادش بود که با شنیدن این عبارت «خب شوهرش حق چنین کاری را دارد واتفاق عجیبی نیفتاده است» رو به رو شد. زن میان سال که نگران دخترش بود، بازهم آن قدر حرف زد که دخترش فرصتی برای بازگوکردن ماجرا پیدا نمی‌کرد. این رفتار او سبب اخراجش از اتاق شد. زن میان سال همان طور که بیرون می رفت، به دخترش گفت مراقب حرف هایش باشد و چیزی را امضا نکند.

● شوهرم فکر می کند خیانت کرده‌ام

زن جوان بی تفاوت به حرف های مادرش اعلام کرد که من تنهافرزند او هستم و به همین دلیل خیلی نگران آینده من است. زن جوان در ادامه گفت: نام من میناست. من مربی یک رشته ورزشی هستم و در ترم آخر رشته تربیت بدنی تحصیل می کنم. چند روز پیش متوجه شدم شوهرم با گوشی خودش وارد حساب کاربری من در یکی از شبکه های اجتماعی شده و پیام های ردوبدل شده بین من و یکی از هم‌کلاسی هایم را دیده است. به همین دلیل هم به من تهمت خیانت زده است.

مینا در ادامه به آشنایی اش با شوهرش اشاره کرد وگفت: من ترم اول رشته تربیت بدنی بودم که اولین بار سینا را دیدم. او ترم آخر رشته معماری بود. رابطه ما شبیه به یک تب تند بود که خیلی زود داغ شد و خیلی سریع فروکش کرد. همان قدر که سریع و آتشین وارد رابطه شدیم و ازدواج کردیم، علاقه سینا یک باره کم شد. سه ماه از عقد ما گذشته بود که سینا روز به روز سرد و سردتر شد. یک سال نگذشته بود که دیگر از مکالمات تلفنی و ملاقات های هر روز ما خبری نبود. سرانجام من دلیل سردی سینا را در تلفن همراهش پیدا کردم. یک روز در گوشی همراهش دیدم که او با تعدادی از دختران هم‌کلاسی اش در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد همچنان در ارتباط است و با هم پیام ردوبدل می‌کنند. این موضوع سبب سردشدن من شد.

● انتقام از نامزد به روش مینا

زن جوان ادامه داد: پس از این ماجرا بیشتر وقتم را صرف دانشگاه کردم. پیش از این پسری به نام محسن که یک ترم بالاتر از من بود، به بهانه های مختلف می‌کوشید به من نزدیک شود. او یک ورزشکار حرفه ای بود و به همین دلیل می دانستم که دختران زیادی به او علاقه دارند. پس از دیدن پیام ها در گوشی سینا، من که پیش از این به محسن محل نمی دادم، با او حرف زدم. من در همان ابتدا آب پاکی را روی دست محسن ریختم و به او گفتم که متأهل هستم. او هم به من گفت که قصدی برای رابطه ندارد. ما قرار بود فقط دوست عادی باشیم، اما رفتار محسن روزبه روز تغییر کرد و پیام هایش صمیمی تر شد. من از هر ۱۰ پیامی که او می فرستاد، فقط به یکی پاسخ می دادم، اما حاضر می شدم که در دانشگاه با او وقت صرف کنم. یک ترم از این ارتباط نگذشته بود که سینا یک شب وارد اکانت یکی از شبکه های اجتماعی من شد و همه پیام های محسن را دید. او عصبانی شد وگوشی من را گرفت و از خانه رفت. همین شد که به پیشنهاد مادرم پیش از اینکه او اقدامی بکند، ما برای گزارش سرقت به این مرکز پلیس آمدیم.

● دعوت سینا به مقر پلیس

پس از ثبت اظهارات مینا، رئیس دایره مددکاری و مشاوره حدود دو ساعت به گفت‌وگو با این زن جوان پرداخت. پس از این گفت‌وگوی صمیمی، مأموران دایره مددکاری و مشاوره از سینا برای حضور در این مقر پلیس دعوت کردند.

حدود یک ساعت پس از این تماس، درحالی که سینا تصور می کرد نامزدش با شکایت از او پیشدستی کرده است، خودش را به کلانتری آبکوه رساند. خشم مرد جوان با شنیدن این توضیح که همسرش از کسی شکایت نکرده و برای کمک به زندگی مشترکش به دایره مددکاری و مشاوره این مرکز پلیس آمده است، آرام شد. سینا پس از اینکه در جریان روند رسیدگی به این پرونده قرار گرفت، در تشریح ماجرای خواستگاری زودهنگامش از مینا گفت: من در مقطع ارشد رشته معماری مشغول به تحصیل بودم. برای آینده ام کلی هدف و آرزو داشتم و به همین دلیل با وجود اینکه در طول تحصیل چندین بار عاشق شدم، ازدواج را مانع پیشرفتم می دانستم. وضعیت اقتصادی خوبی هم نداشتم و خانواده ام پرجمعیت بودند.

● ازدواج برای جبران فرصت‌های ازدست‌رفته

سینا ادامه داد: ترم آخر بودم که متوجه شدم آخرین دختری که دوستش داشتم، ازدواج کرده است. دست دست کردم و همه این دختران در همان ترم های نخست ازدواج کردند. این ذهنیت ناخواسته در ذهنم شکل گرفت که تعلل من در خواستگاری و پیشنهاد ازدواج، باعث شده است دخترانی را که به آن ها علاقه داشتم، یکی پس از دیگری از دست بدهم. در همین اوضاع بود که مینا را دیدم. برخلاف من، مینا دختری باکلاس، زیبا، تک فرزند و ثروتمند بود. چیزی که اعتماد به نفسم را بیشتر کرد، آینده روشن شغلی ام بود. دو ماه از آشنایی ما نگذشته بود که متوجه شدم نگاه پسران دیگر هم به دنبال میناست. به همین دلیل تصمیم گرفتم پا پیش بگذارم و خواستگاری کنم. پس از خواستگاری، عقد کردیم، اما قرار گذاشتیم پس از اینکه زندگی را سامان دادم، زندگی مشترک را آغاز کنیم.

او افزود: من به شدت مشغول کار شدم. در همین مدت، متوجه شدم سه نفر از دخترانی که در دوران تحصیل دوستشان داشتم، طلاق گرفته اند. من با آن ها رابطه مجازی برقرار کردم و با هم چت می کردیم. ارتباط ما صرفا مجازی بود و حتی بخشی از گفت‌وگوهای ما درباره مسائل کاری بود. اینکه مینا معتقد است من سرد شده ام، اصلا درست نیست. من حتی یک قرار ملاقات با آن ها نگذاشتم. در این اوضاع بود که مینا گوشی مرا دید و متوجه ارتباط من با آن ها شد. مینا ابتدا دعوای شدیدی کرد، اما بعد از آن دیگر هیچ حرفی درباره این ماجرا نزد. سکوت مینا سبب شد تصور کنم او همه چیز را فراموش کرده است.

● مشاهده پیام‌های مزاحم لعنتی

این مرد جوان اضافه کرد: چند شب پیش به مینا مشکوک شدم. برای همین وارد حساب کاربری او در یکی از شبکه های اجتماعی شدم. متوجه ارتباط مینا با مردی به نام محسن شدم. او یک ورزشکار معروف است و به همسرم پیام های نامربوط زیادی ارسال کرده است. پس از اینکه چند شب وقت صرف کردم و همه پیام های ردو بدل شده آن ها را بررسی کردم، متوجه شدم همسرم به این فرد گفته متأهل است، اما این شخص باز هم پیام های نامربوطی فرستاده که با بی محلی مینا مواجه شده است.

در ادامه رسیدگی به پرونده، مأموران به سینا برای ثبت شکایت از مردی که برای همسرش مزاحمت ایجاد کرده بود، کمک کردند. پس از ثبت و پیگیری این شکایت، جلسه ای مشترک در دایره مددکاری و مشاوره کلانتری آبکوه با حضور این زوج جوان برگزار شد.

ابتدای این جلسه پرتلاطم، مشاجره شدیدی بین این زوج شکل گرفت، اما در پایان هردو یکدیگر را بخشیدند. مینا و سینا هردو عکس پروفایل خود در شبکه های اجتماعی را به تصویری مشترک تغییر دادند و سپس سینا همه هم کلاسی های دوران دانشگاهش را مسدود و محدود کرد. این زوج با یکدیگر آشتی کردند، اما به درخواست رئیس دایره مددکاری و مشاوره کلانتری آبکوه، مقرر شد آن ها همچنان جلسات منظمی را به صورت انفرادی و مشترک در این مرکز پلیس داشته باشند.



عکس ترتیبی است

حادثه داغ

حادثه‌ای که می‌توانست به فاجعه تبدیل شود

خبرگزاری پلیس| بامداد دیروز حادثه ای در یکی از محورهای استان لرستان رخ داد که احتمال وقوع فاجعه در دل این جاده وجود داشت، اما این حادثه به خیر گذشت.

در این حادثه یک دستگاه اتوبوس ولوو با چهل مسافر برای رساندن عزاداران امام شهید در حال حرکت به سمت تهران بود که در بین راه به علت وقوع حادثه ای در حاشیه جاده متوقف شد. با اعلام این حادثه به پلیس، بلافاصله مأموران پلیس راه استان لرستان به محل اعزام شدند.

مأموران با حضور در آزادراه پل زال-خرم آباد، متوجه شدند که اتوبوس داخل تونل «اثر دو» گرفتار شده است. در ادامه نیز مشخص شد که دود غلیظ و سمی همه فضای تونل را فرا گرفته است و مسافران در محاصره آتش وگازهای سمی گرفتار شده اند. مأموران که برای تأمین امنیت محور و خدمت رسانی به زائران در آماده باش کامل بودند، به کمک این افراد رفتند. آن ها بدون لحظه ای تردید، با نادیده گرفتن خطرات جانی، در میان دود و آتش عملیات تخلیه ونجات را آغاز کردند و همه چهل سرنشین اتوبوس را که دچار مشکلات حادتنفسی شده بودند، در اقدامی سریع و با همکاری خودروهای سازمانی پلیس و خودروهای عبوری، به محل امن و پایگاه های اورژانس منتقل کردند.

همچنین برای جلوگیری از انسداد مسیر و حوادث ثانویه، اتوبوس سوخته با تلاش بی وقفه مأموران از مسیر سواره رو خارج شد. بررسی ها درباره چرایی وقوع حادثه نشان داد که این اتوبوس به دلیل نقص فنی هنگام عبور از تونل از ناحیه موتور دچار آتش سوزی شده است.

با هماهنگی به عمل آمده، یک دستگاه اتوبوس جایگزین شد و مسافران در صحت و سلامت به سفر خود ادامه دادند.

جدول ۴۵۹۶

نظرها و انتقادهای خودرا درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

پاسخ ۴۵۹۵

